فقر چندبُعدی

Multi-dimensional Poverty

از آنجا که رفاه نوع بشـــر ابعاد متعددی دارد، برای ارزیابی فقر یک فرد یا خانوار باید به ابعاد گوناگون رفاهی، که خود می‌تواند بر رفاه کل خانوار اثرگذار باشـد، توجه کرد؛ ابعادی همچون مسـکن، سـواد، سـرپناه مناسـب، حداقل خدمات سلامت، تغذیه مناسب، امید به زندگی، دسترسی به کالاهای عمومی و موارد مشـــابه دیگر. نیـاز بـه چنین رویکرد چندبعدی‌ای برای اندازه‌گیری نابرابری رفاهی و فقر خانوارها مورد توجه اقتصـاددانانی ازجمله سـن (Sen,1985b,1999)، بـورگـیـگـنـون و چـارکـاوارتـی (Bourguignon and Charkavarty, 2003)، معصـومی و لوگو (Maasoumi and Lugo, 2006)، تسیو (Tsui, 2002) و آلکایره و فوستر (Alkire Foster, 2007) قرار گرفته است.

در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشـــتاد میلادی آمارتیا سن با ارائه رویکرد قابلیت (approach Capability) اولین گام‌ها را در جهت سنجه‌های جایگزینی برای اندازه‌گیری فقر بردا شت. امروزه این رویکرد در میان سازمان‌های بین‌المللی به‌طور کامل پذیرفته شـده اسـت تا آنجایی که شـاخص‌های توسـعه انسـانی (Development Index, HDI Human) و شـاخص فقر انسـانی (Human Poverty Index, HPI) که به‌وسیله سازمان ملل متحد به‌صورت سالیانه ارائه می‌شود، با استفاده از رویکرد فقر چندبعدی اندازه‌گیری می‌شود.

امروزه به‌طور کامل مشـخص شـده اسـت که رفاه یک خانوار را به تنهایی نمی‌توان با سطح درآمد آن مشخص کرد، بلکه با دسترسی ناکافی به کیفیت وضعیت سلامت، مسکن، آموزش، منزلت سـیاسـی و اجتماعی نیز مرتبط اسـت. سـن (Sen,1988) بر محدودیت‌های رویکرد فقر درآمدی تأکید می‌کند. اینکه فقر فقط محرومیت درآمدی نیســت، بلکه، شـامل اشـکال دیگر محرومیت نیز هسـت. چه‌بسـا فردی به‌لحاظ درآمدی فقیر نباشـد اما از اشـکال دیگر محرومیت همچون بیماری یا معلولیت جســمانی رنج ببرد یا دچار تبعیض‌های نژادی، جنسـیتی، فرهنگی یا سـیاسـی باشـد. به صـرف دسـترسـی به درآمد بالاتر از خط فقر نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که فرد مورد نظر فقیر نیست، زیرا، چه‌بسا از یک بیماری پرهزینه همچون بیماری کلیوی رنج می‌برد و بنابراین، برای انجام هزینه‌های دیالیز ناگزیر باشـد بخش عمده‌ای از درآمد خود را مصـروف معالجه خود کند به این ترتیب اگر هزینه‌های سـلامت را از درآمد او کسـر کنیم چه بسـا چنین فردی در زمره فقرا قرار بگیرد. هر یک از این عوامل می‌تواند مانعی برای رشد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های وی باشـد. به همین دلیل سـن رویکرد قابلیتی (Capability approach) را در مقابل رویکرد درآمدی به فقر مطرح می‌کند که در آن ابعاد گوناگون فقر قابلیتی شامل دسترسی به تغذیه کافی، حداقل آموزش، توانایی پیشـگیری از بیماری‌های قابل پیشـگیری، توانایی دسـترسـی به سـرپناه کافی و توانایی مشارکت در فرایندهای سیاسی است.

تحلیل‌های تجمیع توابع و سنجش‌های فقر، مبتنی بر اطلاعات (approach Information-theoretic)

معصـومی (Maasoumi1986) در زمینه سـنجش چندبعدی نابرابری توابع p_i را پیشـنهاد کرد که می‌توانسـت اطلاعات مربوط به همه ویژگی‌های موردبرر سی را در یک روش کارا تجمیع کند. جریان تجمیع ویژگی‌ها در بسـیاری از ابعاد، تفسیرهای مبتنی بر اطلاعات دارد و نتایج نشان می‌دهند که نظریه اطلاعات یک تجمیع‌کننده بسـیار مناسـب برای توابع فردی است.

نظریه اطلاعات براساس فاصله بین توزیع‌ها و تفاوت بین انتروپی‌هایشان یا آنچه انتروپی نسبی نامیده می شود، انجام می‌گیرد. در رویکرد نظریه اطلاعات برای نخستین‌بار رویکرد تمرکز ضعیف بر فقر مورد توجه قرار گرفت. تمرکز ضعیف بر فقر شاخص فقر را به میزان دارا بودن افراد غیرفقیر از هر ویژگی نیز مرتبط می‌کند.

سنجش‌های گشتاور فقر توابعی از توزیع p_I است که در آن $i = 1,2,\ldots,n$. هر ویژگی j به‌وسیله تابع توزیع نمایش

Encyclopedia of Economics
enceco.ihcs.ac.ir

داده می‌شـــود و $x_j = (x_{1\,j}, x_{2\,j}\ \ldots\ x_{nj})$ اســـت. به‌طور طبیعی توزیع p_j از توزیع x_j و m استخراج می‌شود که در آن داریم: $j = 1,2,3,\ldots,m$.

با ید د قت کرد که توابعی انتخاب شـــو ند که تابع تجمیع‌کننـــده p_j، نزدیـــک‌ترین تـــابع بـــه توزیع عنـــاصـــر تشکیل‌دهنده‌اش (یعنی توابع فقر فردی) باشند.

فرض کنید S_i توابع تجمیع را برای فرد i نشـــان دهد که براساس m ویژگی‌اش بنا شده باشد $(x_{i1}, x_{i2}, \ldots, x_{in})$. آنگاه یک میانگین وزنی را برای فاصـــله انتروپی‌های نســـبی مابین تـــوزیـــع $(s_1, s_2, s_3, \ldots, s_n)$ و هـــر تـــوزیـــع $(x_{1\,j}, x_{2\,j}\ \ldots\ x_{nj})$ را به‌صورت زیر در نظر بگیرید:

$$D(S.X.w) = \sum_{j=1}^{m} w_j \left[\sum_{i=1}^{n} S_i \left[\frac{\left(\frac{S_i}{x_{ij}}\right)^{-\theta} - 1}{\theta(\theta - 1)} \right] \right] \qquad (2-1)$$

که در آن w_j وزن‌هایی هســـتند که به فاصـــله انتروپی‌های تعمیم‌یافته (Generalized entropy) از هر ویژگی داده شـــده است. انتروپی تعمیم‌یافته یکی از شاخص‌های نابرابری است که مقادیری بین صـــفر تا بی‌نهایت را اختیار می‌کند. مقادیر صـــفر توزیع برابر را منعکس می‌کنند و مقادیر بالاتر آن نـــابـــرابـــری بـــیـــشـــتـــر را نـــمـــایـــش مـــی‌دهـــنـــد. (Haughton et al., 2009).

حداقل کردن $D_\theta(.)$ با توجه به S_i به‌طوری که داشـــته باشـــیم $\sum S_i = 1$ ، توابع بهینه تجمیع نظریه اطلاعات را به‌وجود می‌آورد:

$$S_i \alpha \left(\sum_{j=1}^{m} w_j x_{ij}^{\theta} \right)^{\frac{1}{\theta}} \quad \theta \neq 0 \qquad (2-2)$$

$$S_i \alpha \prod_{j=1}^{m} x_{ij}^{w_j} \quad \theta = 0 \qquad (2-3)$$

به‌دلیل اینکه تابع $D_\theta(.)$ صرفاً یک میانگین وزنی است، به‌صورت خطی نمایش داده می‌شود. نکته اساسی که باید به آن اشاره شود آن است که شرط نظریه متعارف مصرف‌کننده در مورد تحدب منحنی‌های بی‌تفاوتی در فضـــای ویژگی‌ها، ایجاب می‌کند که $\theta \leq 1$ باشد (Ebrahimi et al., 1999).

۳. رویکردهای تعیین خط فقر چندبعدی

بر خلاف رویکرد تک‌بعدی، که یک خط فقر وجود دارد، در رویکردهای چندبعدی به‌ازای تعداد ویژگی‌های موردبررسی، آستانه فقر تعریف می‌شود و پس از آن بر اساس چند روش گوناگون این آستانه‌ها تجمیع می شوند. در این بخش قصد داریم دو رویکرد ارائه‌شـــده در نظریه اطلاعات را مورد بررسی قرار دهیم.

۳-۱. رویکرد خط فقر تجمیع شده (Aggregate poverty line approach)

فرض کنید S_z خط فقر تجمیع شـــده اســـت که از توابع تجمیع‌کننده نظریه اطلاعات یعنی S_i استخراج شده باشد:

$$S_z = \left(\sum_{j=1}^{m} w_j z_j^{\theta} \right)^{\frac{1}{\theta}} \quad \theta \neq 0$$

و در حالتی که $\theta = 0$ به صورت میانگین هندسی تعمیم‌یافته آن خواهد بود و به‌صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$S_z = \left(\prod_{j=1}^{m} z_j^{w_j} \right)$$

این یک رویکرد دومرحله‌ای است که گام دوم آن به صورت زیر است:

Encyclopedia of Economics
دانشنامه اقتصاد
enceco.ihcs.ac.ir

۱) توابع محرومیت چندمتغیره‌ای به صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_\alpha = max\left[\frac{S_z - S_i}{S_z}, o\right] = max\left[1 - \frac{S_i}{S_z}, o\right]$$

۲) سنجش فقر چندمتغیره‌ای نظریه اطلاعات نیز به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$P_\alpha(S;z) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n}\left[max\left(1 - \frac{s_i}{s_z};0\right)\right]^\alpha = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{n} p_i^\alpha$$

این α امین گشتاور شاخص فقر فوستر، گریرف توربک است که بر توزیع (S_1 و S_2 و..S_n)= S بنا شده است. خط فقر هر ویژگی، یعنی z_j نقشی را در تعریف خط فقر چندبعدی (S_z) ایفا می‌کند که هرکدام از آن‌ها دارای وزن یکسان هستند. همه اصول موضوعه‌ای که شاخص‌های فوستر، گریر و توربک را موردحمایت قرار می‌دهند در توابع فردی رفاه S_i نیز آشکار هستند.

روش فقر چندبعدی مشابه روش بورگیگنون و چارکاوارتی (Bourguignon and Charkavarti, 2003) است. این شاخص‌ها مشابه شاخص‌های فوستر و گریر و توربک است که برای محاسبات درآمدی به‌کار گرفته شده‌اند اما تا اندازه‌ای به‌وسیله این محققان دستخوش تغییر شدند. این شاخص‌ها اصول بدیهی سن و دیگران را رعایت کرده‌اند (مانند تمرکز، یکنواختی در زیرگروه‌ها، اصل انتقال و مانند آن). نوع دیگری از شاخص فقر چندبعدی به‌وسیله آلکایر و فوستر (Alkire and Foster, 2008) نیز دستخوش تغییراتی شد که ادامه روش اجماع (Union approach) است. در این روش هر فرد فقیر محسوب می شود اگر در یک یا چند نیاز محروم به‌حساب آید. این روش با رویکرد مبتنی بر حق (Right-based approach) کمی مشابهت دارد، چراکه در روش مبتنی بر حقوق انسانی نیز اگر فردی حتی از یکی از حقوق اساسی خود محروم باشد فقیر محسوب می شود. به روشی که به‌وسیله آلکایر و فوستر (Alkire, 2008) ارائه شد روش اشتراکی (approach Intersection) اطلاق می‌شود. در این روش فرد زمانی فقیر است که در دو یا چند مورد جنبه‌های مورد بررسی فقیر باشد که این جنبه‌ها هر کدام آستانه‌های متفاوت و مخصوص به خود دارند.

روش‌شناسی فقر چندبعدی با رویکرد آلکایر و فوستر:

فقر چندبعدی با رویکرد آلکایر و فوستر (Alkire and Foster, 2011) یک روش میانه (بین دو رویکرد اجماع و اشتراکی) و دوآستانه‌ای شامل دو گام شناسایی (Identification) و تجمیع (Aggregation) است. گام شناسایی درواقع مرحله تشخیص محرومیت در هر نماگر (Indicator) و گام تجمیع در برگیرنده محاسبه شاخص ترکیبی است.

۱. نمادگذاری:

فرض می‌کنیم که د ستیابی به افراد جامعه به صورت ماتریس $X^{n.d} = [x_{ij}]$ ا ست که n تعداد افراد جامعه و $d \geq 2$ تعداد نماگرهای مورد نظر شاخص فقر است و $x_{ij} \geq 0$ میزان دستیابی فرد iام ($i = 1. \ldots . n$) را در نماگر jام ($j = 1. \ldots . k$) نشان می‌دهد. دامنه ماتریس دستیابی (Achievement Matrix) برابر است با $X = \{x \in R_+^{nd} : n \geq 1\}$ و بردار سطری $z = (z_1. \ldots . z_d)$ نشان‌دهنده سطوح آستانه محرومیت بوده و به‌عبارتی $z_j \geq 0$ نشانگر سطح آستانه محرومیت در نماگر jام است. بردار سطری $w = (w_1. \ldots . w_d)$ بردار وزنی نماگرها و $w_j \geq 0$ نشان‌دهنده وزن نماگر $\sum_{j=1}^{d} w_j = 1$ است.

Encyclopedia of Economics
دانشنامه اقتصاد
enceco.ihcs.ac.ir

به‌ازای مقادیر معین x، ماتریس محرومیت (Deprivation Matrix) به‌صورت $g^0 = [g_{ij}^0]$ تعریف می‌شود که اگر $x_{ij} \geq z_j$ باشد، $g_{ij}^0 = 0$ و در غیر این صورت $g_{ij}^0 = w_j$. به‌عبارتی g^0 ماتریس $n \times d$ است که نشان می‌دهد چه کسی و در کدام نماد محروم است و چه وزنی دارد.

در گام بعدی بردار ستونی جمع وزنی محرومیت‌ها یعنی $c = c_i$ از ماتریس محرومیت به‌دست می‌آید، به‌گونه‌ای که $\sum_{j=1}^{d} g_{ij}^0$ و $0 \leq c_i \leq 1$. در واقع c_i تعداد محرومیت‌های موزونی است که فرد i تجربه می‌کند (Alkire & Santos, 2013). همچنین می‌توان c_i نمره محرومیت (Deprivation Score) فرد i تعریف کرد که در این صورت c_i این گونه نمادگذاری می‌شود (Alkire & Foster, 2011).

۲. شناسایی:

تابع شناسایی ρ_k به این صورت است که اگر $c_i \geq k$ باشد، $\rho_k = (c_i; z) = 1$ و در غیر این صورت $\rho_k = (c_i; z) = 0$ است. پارامتر $0 < k \leq 1$ آستانه فقر نامیده می‌شود و نسبت محرومیت‌های موزون موردنیاز برای این است که یک فرد به لحاظ چندبعدی فقیر در نظر گرفته شود.

از دیدگاه رویکرد آلکایر فوستر فرد محروم (Deprived) و فقیر (Poor) یکسان نیستند به این معنا که ممکن است فردی در یک بعد یا یک نماگر خاص محروم باشد ولی از نظر چندبعدی فقیر نباشد. ازاین‌رو، ρ_k به هر دو آستانه بستگی دارد- آستانه محرومیت‌ها و آستانه فقر- و به همین دلیل رویکرد آلکایر فوستر رویکرد دوآستانه‌ای (Dual Cut off) نیز نامیده می‌شود.

پس از تکمیل فرایند شناسایی، ماتریس سانسورشده (Censored matrix) را به این شکل تشکیل می‌دهیم: $g^0(k) = [g_{ij}^0(k)]$ که در آن اگر $c_i \geq k$ باشد، $g_{ij}^0(k) = [g_{ij}^0]$ و اگر $c_i < k$ باشد، $g_{ij}^0(k) = 0$. در واقع، در این فرایند محرومیت‌های افرادی که دچار فقر چندبعدی هستند بدون تغییر باقی می‌ماند، درحالی‌که محرومیت‌های افرادی که به‌لحاظ چندبعدی فقیر نیستند، با صفر جایگزین می‌شود. همچنین، اگر بخواهیم ماتریس محرومیت سانسور شده را با استفاده از تابع شناسایی ρ_k تعریف کنیم، به این صورت نمادگذاری می‌شود: $g_{ij}^0(k) = g_{ij}^0 \rho_k(x_i, z)$.

سپس ماتریس ستونی، شمارش محرومیت های سانسورشده یعنی $c(k) = [c_i(k)]$ را تشکیل می‌دهیم $0 \leq c_i \geq k$، به‌گونه‌ای که $c_i \geq k$ باشد، $c_i(k) = c_i$ و در غیر این صورت $c_i(k) = 0$. (Alkire & Foster, 2011).

۳.گام تجمیع:

پس از مرحله شناسایی و تشکیل ماتریس محرومیت سانسور شده می‌توان بین تمام افراد میانگین گرفت و سنجه تجمیع (Aggregation Measure) M_α را با توجه به ماتریس سانسورشده $g^\alpha(k)$ محاسبه کرد:

$$M_\alpha(x; z) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^{n} \sum_{j=1}^{d} g_{ij}^\alpha(k) \quad ; \quad \alpha \geq 0$$

تابع تجمیع در واقع یک حالت تعمیم‌یافته از سنجه‌های تک‌بعدی فوستر-گریر- توربک است.

زمانی که $\alpha = 0$ باشد، سنجه M_0 نسبت سرشمار تعدیل‌شده (Adjusted Headcount Ratio) نامیده می‌شود که در اصل همان فقر چندبعدی است. این شاخص در واقع از دو شاخص جزئی گستردگی فقر و نسبت سرشمار سانسور شده (H) تشکیل شده است، یعنی $M_0 = HA$ و ازهمین‌رو تعدیل‌شده نامیده می‌شود.

در رابطه فوق زمانی که $\alpha = 1$ باشد، سنجه M_1 شکاف فقر تعدیل شده است، زیرا، بر اساس میانگین موزون شکاف‌های فقر براساس هر بعد تعریف می‌شود. در واقع میانگین عمق محرومیت‌ها بین تمام نماگرهایی است که یک فرد فقیر در آن محروم است یا میانگین شکاف فقر بین فقرا است. این سنجه نه‌تنها به تعداد محرومیت‌های تجربه‌شده یک فرد فقیر، بلکه به عمق فقر آن‌ها نیز حساس است.

Encyclopedia of Economics
enceco.ihcs.ac.ir

به‌عبارتی، اگر یک فرد فقیر در یک نماگر ویژه محروم‌تر شود، این شاخص افزایش می‌یابد و نیز اگر یک فرد فقیر در یک نماگر از آستانه محرومیت پایین‌تر قرار بگیرد، آنگاه فقر کاهش می‌یابد، حتی اگر آن فرد هنوز به‌لحاظ چندبعدی فقیر باشد.

سرانجام زمانی که $\alpha = 2$ باشد، سنجه M_2 مجذور شکاف فقر تعدیل شده نامیده می شود، زیرا میانگین موزون مجذور شکاف‌های فقر در هر بعد و متشکل از شاخص‌های جزئی وقوع، گستردگی و شدت فقر است. این سنجه به تعداد محرومیت‌های تجربه‌شده افراد فقیر، عمق و نابرابری میان محرومیت‌ها بین فقرا حساس است (Alkire & Santos, 2013).

۴. تجزیه در زیرگروه‌ها و شکستن در ابعاد و نماگرها:

تمام اعضای خانواده M_α دارای دو ویژگی هستند که آن‌ها را برای تجزیه و تحلیل‌های سیاسی قدرتمند می‌سازد. نخست، هر سنجه می‌تواند به زیرگروه‌های جمعیتی تجزیه شود: برای نمونه، نسبت توزیع فقر در هر زیرگروه جمعیتی عبارت است از: $C_I(k) = [(n_I/\mathrm{n})M_I^\alpha]/M_\alpha$ که در آن (n_I/n) سهم جمعیتی، M_I^α اندازه فقر زیرگروه I و $C_I(k)$ سهم زیر گروه I از سنجه M_α است.

دوم اینکه این سنجه‌ها قابل شکسته شدن درون نماگرها هستند:

$$C_J(k) = \frac{\mu\left(g_{ij}^{\alpha}(k)\right)}{M_\alpha}$$

که نشان‌دهنده سهم نماگر j از فقر چندبعدی کل است.

۵.برخی از مدل‌های رگرسیون برای سنجه‌های آلکایر و فوستر:

سنجه‌های فقر آلکایر و فوستر دارای دو نوع متغیر وابسته هستند. نوع نخست، یک نماگر دوتایی است که اگر فرد فقیر با شد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر می‌گیرد، مانند c_i. برای این نوع متغیر ها توزیع برنولی و مدل های لاجیت و پروبیت مناسب هستند. نوع دوم متغیرهای وابسته کسری هستند ازقبیل M_0 و H که مقداری بین صفر و یک می‌گیرند و توزیع مناسب آن‌ها توزیع دوجمله‌ای است (Alkire et al, 2015).

جدول شماره (۱). مدل‌های رگرسیون خطی تعمیم‌یافته برای سنجه‌های آلکایر و فوستر

متغیر وابسته (Y)	دامنه Y	مدل رگرسیون	سطح	توزیع شرطی $p_y(y)$	تابع رگرسیون $g(\mu_i) = \eta_i$		تابع میانگین $\mu_i = G(\eta_i)$
باینری $(c_i \geq k)$	0 , 1	احتمال	خرد	برنولی	لاجیت	$log\frac{\mu_i}{1-\mu_i}$	$\Lambda(\eta_i)$
M_0, H	[0,1]	نسبت	کلان	دوجمله‌ای	پروبیت	$\Phi^{-1}(\mu_i)$	$\Phi(\eta_i)$

Source: Alkire et al, 2015

وزن‌دهی دلبخواهی یکی از کاستی‌های اساسی رویکردهای چندبعدی است که تاکنون هیچ روشی که بر سر آن اجماعی در بین محققین فراهم آورد فراهم نشده است (Cohen, 1993).

کتاب‌شناسی

Alkire, S. and J. Foster (2007). "Counting and Multidimensional Poverty Measurements", *OPHI Working Paper*, No. 7, University of Oxford.

Alkire, S., & Foster, J. (2011). "Understandings and misunderstandings of multidimensional poverty measurement", *The Journal of Economic Inequality*, *9*(2), 289-314.

Alkire, S., & Santos, M. E. (2013). "A multidimensional approach: Poverty measurement & beyond", *Social indicators research*, *112*(2), 239-257.

Alkire, S., Roche, J. M., Ballon, P., Foster, J., Santos, M. E., & Seth, S. (2015). *Multidimensional poverty measurement and analysis*, Oxford University Press, USA.

Bourguignon, F., and S. R. Chakravarty. (2003). "The Measurement of Multidimensional Poverty", *Journal of Economic Inequality*.

Cohen, G. A. (1993). *Capability and Well-Being, in The Quality of Life, Nussbaum, M., & Sen, A.*, Oxford University Press.

Ebrahimi, N. E. Maasoumi, Esfandiar, and E. Soofi. (1999). "Ordering Univariate Distributions by Entropy and Variance", *Journal of Econometrics*.

Haughton, Janathan & R.Khandker, Shahidur (2009). *Handbook of Poverty and Inequality*, Washington DC: World Bank Press.

Maasoumi, Esfadiar and Ana lugo, Maria (2006). "The Information Basic of Multivariate poverty assessment", *Journal of econometrics*.

Encyclopedia of Economics
enceco.ihcs.ac.ir

Maasoumi, E., (1986). "The Measurement and Decomposition of Multidimensional Inequality", *Journal of econometrics*.

Maasoumi, E. (1999). *Multidimensional Approaches to Welfare Analysis*, in J.

Sen, Amartya & Foster, J. E. (1997). *On economic inequality*, Oxford University Press.

Sen, A. (1985b). *Commodities and Capabilities*, Oxford: Elsevier Science Publishers.

Tsui, K. Y. (2002). " Multidimensional Poverty Indices", *Social Choice and Welfare.*

حسین راغ فر

هیئت‌علمی دانشگاه الزهرا (س)

Encyclopedia of Economics

دانشنامه اقتصاد

پژوهشکده دانشنامه نگاری

enceco.ihcs.ac.ir